

مولفه های جدید اوضاع سیاسی در کردستان و پلاقرم کار ما

(متن سخنرانی رحمان حسین زاده در نشست سیزدهم کمیته کردستان حزب)

قصد من بررسی عمومی اوضاع سیاسی نیست. حزب ما به تفصیل در رابطه با اوضاع سیاسی گفته و نوشته است و لازم به تکرار نمی بینم. همچنانکه از عنوان مبحث پیداست، اشاره به مولفه های جدید اوضاع سیاسی، به منظور استنتاجات مشخصی در رابطه با فعالیت دوره آتی تشکیلات کردستان است. بنا به طبیعت این نشست، موضوع بر اوضاع در کردستان متمرکز است. اما بدهی است که اوضاع در آنجا در خود قابل بررسی نیست، بلکه بازتاب اوضاع سیاسی سراسر ایران و به نظرم فاکتورهای منطقه ای و مشخصا پیامدهای جنگ احتمالی آمریکا علیه عراق را باید مد نظر داشت.

جمهوری اسلامی وضعیت بسیار شکننده تری پیدا کرده است. فاکتها، نموده ها، مشاهدات، همه نشانه هایی از دوران فروپاشی و سقوط و اضمحلال این رژیم را نشان میدهد. فشار اعتراض و مبارزه مردم و کارگران و تعرض جوانان و بخشهای معترض جامعه، گسترش قابل توجهی پیدا کرده و بر جمهوری اسلامی سنگینی میکند. بر این بطن کشمکشهای درونی جناحها ابعاد تازه تری به خود گرفته است. جالب است از درون خودشان پرچم غیر اسلامی کردن "نظامشان" را برافراشته اند. موقعیت رژیم، موقعیت یک حکومت آویزان بر لبه پرتگاه است. باید پرتش کرد و این وظیفه عاجل نیروی پرت کننده است. این موقعیت ابتکار عمل نیروی سرنگونی طلب و قبل از همه حزب کمونیست کارگری را میطلبد.

بازتاب موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان چگونه است؟

اینجا هم لازم به بررسی همه جانبه نیست. خیلی ساده میتوان دید، که بندهای رژیم اسلامی به شدت شل شده است. ابراز وجود مردم، تعرض و مبارزه مردم و نقش احزاب سیاسی ابعاد تازه تری به خود گرفته است. فاکتهای سیاسی و اجتماعی همین یکی دو ماهه این را به خوبی نشان میدهد. برای نمونه::

- تعرض مشترک مردم مهاباد و سردشت در شهر مهاباد در اعتراض به قتل سه نفر از جانب مامورین جمهوری اسلامی، در فرصتی کوتاه و سریع، تعرض به شهربانی همچون نهادی مسلح و به دادگاه و دیگر اماکن و خودروهای دولتی جمهوری اسلامی، تجسم روحیه اعتراضی جدید و پتانسیل بالایی از سر برآوردن خشم و نفرت دیرینه مردم است که هر زمان میتواند جهشی سراپای این رژیم را زیر ضرب بگیرد. به تاثیر از چنین فضای اعتراضی، زندانیان شهر مهاباد که با هزار قید و بند اسیر دست این رژیم سفاک هستند، دست به شورش زدند و توجه عموم را به خود جلب کردند و عکس العمل مقامات رژیم از رئیس کل قوه قضائیه شان تا مقامات استان و غیره ترس و دستپاچگی جدی رژیم را نشان داد.

- اتفاق مهم حضور عبدالله دارابی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در شهر مریوان، ابراز وجود یکی از رهبران شناخته شده اپوزیسیون سیاسی رادیکال و کمونیست در میان مردم و مهتر اجتماع علنی وسیع مردم، بدون در نظر گرفتن آماده باشهای نظامی رژیم در همان دوران و عملا به تمسخر گرفتن هارت و پورتهای هفته قبل تر رحیم صفوی در سنج را نشان داد. این واقعه مناسبات جدید بین مردم و حزب کمونیست کارگری و جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. نفی و نقص حاکمیت جمهوری اسلامی ولو برای مدت کوتاهی پیام اصلی این حرکت بود. این را میشود به عنوان آغازی بر تحول مهم تر برچیدن جمهوری اسلامی نگریست.

- طرح موضوع به اصطلاح "مذاکره" جمهوری اسلامی با حزب دمکرات که اینروزها مطرح شده ، به اوضاع کنونی مربوط است. نگرانی جمهوری اسلامی از اینکه کنترل اوضاع را در کردستان از دست بدهد، بسیار واقعی است، به همین دلیل در فکر ایجاد رابطه با حزب دمکرات است ، تا به عنوان سویاپ اطمینان در روزهای "اضطراری" از همکاری و همسویی و بده وستان با این حزب بهره مند باشد. حزب دمکرات هم که استعداد بالایی در سازش و بند و بست از خود نشان داده، سیر تحولی را در جامعه میطلبد که امکان ابراز وجود مردم و سیاست رادیکال و انقلابی و حضور چپ و کمونیسم کارگری به حداقل ممکن برسد. چنین اهدافی از دو سو آنها را در جهت "تفاهم و سازش" سوق میدهد. میخواهم بگویم وزنه تحرک رادیکال مردم، دورنمای قدرت گیری مردم و چپ و جریان کمونیستی توطئه "سازش و مذاکره" را به میان

کشیده است.

همین مشاهدات اوضاع جدیدی را منعکس میکند. در کنار اینها به فاکتور منطقه ای تحول آمریکا - عراق و پیامدهای آن باید توجه داشت. طبعاً وقوع جنگ آمریکا علیه عراق چنانکه منجر به تغییر نظام سیاسی در عراق بشود، تاثیرات همه جانبه ای بر سیمای سیاسی منطقه و بر ایران هم خواهد داشت، که بررسی آن در اینجا مدنظر نیست. یکی از تاثیرات آن بر کردستان ایران خواهد بود. با پیشروی طرح آمریکا در عراق، کردستان عراق بسیار بیش از موقعیت فعلی به پایگاه و منطقه نفوذ آمریکا تبدیل خواهد شد. آمریکا از این موقعیت به عنوان اهرم فشار مستقیم علیه جمهوری اسلامی استفاده خواهد کرد. موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان ایران بی ثبات تر خواهد شد و فکر میکنم حزب دمکرات و هر جریان و دارودسته ای که استعداد منطبق شدن با سیاستهای آمریکا را دارند، به عنوان ابزاری در دست آمریکا نقش ایفا خواهند کرد.

میخواهم نتیجه بگیرم که تحت تاثیر بازتاب اوضاع سیاسی سراسری در ایران، تحرک و جنب و جوش رادیکال مردم، وزنه سنگین چپ و کمونیسم کارگری، ابراز وجود مستقیم احزاب سیاسی و پتانسیل حزب کمونیست کارگری در کنار زدن و برچیدن جمهوری اسلامی و پیامدهای جنگ آمریکا علیه عراق، وارد دوره جدید سیاسی و شرایط بعضاً متفاوت سیاسی در کردستان شده ایم. خصوصیات این دوره را باید شناخت و جوابگوی نیازهای ایندوره بود. اگر بخواهم اثرات احتمالی این وضعیت را در چند محور هم دسته بندی کنم، به اینها اشاره خواهم کرد.

۱- میتوان تصور کرد در دوره آتی (۶ ماه یا یکسال آتی) پروسه بر چیدن رژیم اسلامی و دم و دستگاه نظامی و انتظامی و اداری آن زودتر از بقیه مناطق ایران شروع و در ابعاد گسترده عملی شود و در عمل حاکمیت سیاه رژیم کنار زده شود. حزب کمونیست کارگری میتواند پرچمدار این مبارزه و این روند باشد. ما میتوانیم مبتکر این پروسه و به میدان آوردن مردم جهت به سرانجام رساندن آن باشیم. اما در کنار این، روند سازش و بند و بست با جمهوری اسلامی، روند کنترل مردم، روند از زیر ضرب مردم بدر بردن دم و دستگاه رژیم در کردستان نیز وجود دارد و از هم اکنون آثار آن پیداست و شاید آینده با وضوح بیشتر نشان دهد که حزب دمکرات پرچمدار این روند خواهد شد. با اتکا به مردم این روند را هم باید خنثی کرد.

۲- موضوع جابجایی قدرت امری محتمل است. اینکه انتقال قدرت چه شکلی به خود خواهد گرفت، طبعاً مسیر سر راستی ندارد و دقیقاً به نقش و جایگاه جنبشها و احزاب سیاسی حاضر در صحنه مربوط است. احزاب سیاسی از چپ و راست برای گرفتن قدرت سیاسی خیز برداشته اند. البته هرکدام به شکل و شیوه خاص خود. چنانکه جنبش رادیکال و سوسیالیستی و ما به مثابه حزب کمونیست کارگری با هوشیاری و درایت و با تشخیص فرصتها و نقطه عطفها در میدان باشیم، میتوانیم به اراده مردم متکی شویم و انتقال قدرت به مردم را تضمین کنیم. میتوانیم قدرت را بگیریم و فوراً این قدرت را به اراده نمایندگان مستقیم مردم، به ابزار سر راست آن شوراهای مردم متکی کنیم. میتوانیم با اینکار سناریوهای دیگر انتقال قدرت به ضرر مردم را خنثی کنیم. سناریوهای دیگری هم محتملند. در مقابل رادیکالسم و چپ و کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم کرد و حزب مربوطه اش حزب دمکرات دنبال به دست گرفتن قدرت هستند. آنها به تغییر و تحول از بالا چشم دوخته اند. هم برای این موضوع حساب باز کرده اند، که سیر تحولات و اضمحلال جمهوری اسلامی آنها را در موقعیت به دست گرفتن قدرت قرار دهد و هم اینکه جابجایی قدرت در نتیجه بند و بست جمهوری اسلامی و حزب دمکرات یک احتمال است. در شرایط خاصی شریک شدن حزب دمکرات در اداره امور کردستان با جمهوری اسلامی ممکن است. (تمام محتوای خودمختاری شریک شدن در اداره امور با دولتهای مرکزی است). در شرایطی که جمهوری اسلامی آمیدی به اعمال قدرت یگانه خود نداشته باشد، به منظور کنترل مردم و کانالیزه شدن فعل و انفعالات در بالا ممکن است حزب دمکرات را در اداره امور سهم کند. اینکه چنین سناریویی در فضای زنده سیاسی کردستان و ایران و با حضور فعال کمونیسم کارگری ناکام خواهد ماند، محتمل بودن آن را در فرصتهای بسیار کوتاه مدت منتفی نخواهد کرد و لازمست هوشیارانه آن را خنثی کرد. چراغ سبز "مذاکره" در خدمت چنین سناریویی برای آینده است.

نقشه دوره آتی ما

در انطباق با وضعیت مشخصی که تصویر کردیم، تشکیلات حزب در کردستان باید نقشه روشنی در دوره آتی داشته باشد. منظوم از نقشه روشن لیست کردن همه کارهای روتینی که باید انجام دهیم و یا به آن مشغولیم نیست. اینها لازمند و باید انجام شوند، ما مدت‌هاست گفته‌ایم که دوران کار روتین نیست. به نظر دوره کنونی دوره وارد شدن در رابطه با موضوع تعیین تکلیف قدرت در جامعه است. این دوره پیچیدگیها و الزامات خود را دارد. هر دوره باید فوکوسهای سیاسی اساسی و محورهای دگرگون ساز فعالیت را برجسته کرد و بر آن تمرکز کرد و مداوما هم اوضاع و هم این محورهای اساسی را بازبینی و تدقیق کرد. در دوره آتی اهم پلاتفرم ما را مسائل زیر تشکیل میدهند.

- فوکوسهای سیاسی:

الف - پروسه برچیدن رژیم در کردستان شروع میشود. حزب ما باید و میتواند ابتکار مبارزه برای برچیدن نهادها و ساختارهای سیاسی، نظامی و اداری جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. این جهت گیری را در مطالبات روشن و در پراتیک اجتماعی و توده‌ای گسترده میتوانیم معنی کنیم و پیشاپیش جنبش اعتراضی وسیع، دم و دستگاه رژیم را باید عقب رانده و بی اثر نمود و نهایتا به حاکمیت جمهوری اسلامی پایان داد.

ب- توطئه کنترل از بالای حرکت مردم، سد کردن طرحهای بند و بست و سازش جمهوری اسلامی و حزب دمکرات، طرحهای مقابله با مبارزه رادیکال مردم و جنبش و نیروی چپ و کمونیستی را با دقت و هوشیاری باید خنثی کرد. موضوع "مذاکره" در همین چارچوب مردود است. این دوره، مهر سرنگونی جمهوری اسلامی را بر خود دارد، توطئه مذاکره چیزی جز شکست برای صاحبانش به ارمغان نمی آورد.

ج- پروژه فرهنگی "ملی - اسلامی" موجود در کردستان و مبتکران نهادها و نشریات و انستیتوهای آن که همگی در طول حاکمیت جمهوری اسلامی جزو پیکره جمهوری اسلامی بوده، بیش از پیش لازمست زیر نقد و افشاگری بگیریم. این پروژه به بستر مشترک ناسیونالیسم کرد و ارتجاع اسلامی و اهداف جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این پروژه در خدمت تداوم حاکمیت و حضور جمهوری اسلامی در کردستان است. این دست ما را باز گذاشته تا این پروژه ارتجاعی را به تمام معنا و در همه ابعاد رسواکنیم. حزب دمکرات هم جهت و حامی این پروژه و نه تنها این بلکه از مزدوران متشکل در "فراکسیون نمایندگان کرد" هم حمایت کرده و به خاطر این سیاستش تحت فشار و نقد هم قرار نگرفته است. این کمبود اساسی را در دوره آتی باید جبران کنیم.

- نقش مستقیم حزب: یکی از نتیجه گیریهای بحثمان ابراز وجود مستقیم احزاب سیاسی در صحنه سیاست کردستان است. هر ناظر خارجی منصف هم میتواند، قضاوت کند که حزب ما و تشکیلات کردستان نقش فعالی در فضای سیاسی کردستان به عهده داریم. دوره جدید نقش جدیدی را از حزب و تشکیلات کردستان و شخصیت‌های شناخته شده آن میطلبد. مسئله اینست ما باید تغییر دهنده تناسب قوا به نفع مبارزه مردم و قدرت گیری مردم باشیم. معنای عملی چنین جهتی، یعنی تشخیص فرصتهای تحول بخش و جوابگویی به آن و بعلاوه ایجاد فرصتهای دگرگون کننده و داشتن طرح و نقشه همه جانبه سیاسی، اجتماعی، سازمانی منطبق با آن. از جمله تداوم و تکرار حضور رهبران شناخته شده حزب در شهرها و در میان مردم، مشابه آنچه عبدالله دارابی انجام داد. عجین شدن حزب با تحركات اعتراضی توده ای معین و مهم. ایجاد تغییر اساسی در تشکیلات محل در شهرها که ضمن حفظ آکتیویسم و سرزندگی و شادابی آن، با جذب بیشتر رهبران عملی اعتراض و مبارزه و عرصه ها و نهادهای اجتماعی، این تشکیلات به طور روتین در راس اعتراض و مبارزه و تحركات اجتماعی قرار گیرد. و نکته دیگر اینکه حزب باید به یک سازمان توده ای تبدیل شود. شعبه ها و سازمانهای پایه آن ظرفیت ابراز وجود توده ای را در خود به وجود بیاورند.

- جنبش اعتراضی و بسیج توده ای: ما حزب جنبش اعتراض شهری و نیروی بسیج وسیعترین توده مردم برای تحقق اهداف و مطالبات بر حق مردم هستیم. تناسب قوا به ما نشان میدهد، که دوره به میدان کشیدن حرکت‌های اعتراضی گسترده و بسیج نیروی توده مردم برای مطالباتشان و علیه جمهوری اسلامی است. ما باید مبتکر چنین حرکتی باشیم و در این بستر سازماندهی تشکلهای توده ای، تمرکز بر مجامع عمومی و شوراها و احیای اتحادیه و کانون و نهادهای مختلف، در محیط کار و زندگی و در هر جا که تجمع و تشکل و نهاد توده‌ای ضروریست، از اهمیت اساسی در ایندوره برخوردار

است.

- گسترش پتانسیل ابراز وجود نظامی: ما به خوبی میدانیم حزب سیاسی و اجتماعی جدی در جامعه کردستان قطعاً باید از پتانسیل ابراز وجود نظامی بالا برخوردار باشد. لازم نیست به دلایل آن بپردازم و بارها در این رابطه صحبت کرده ایم و حزب در این رابطه مصوبه روشنی دارد که همگان از آن اطلاع دارند. ما در این رابطه گامهای معینی برداشته ایم. اما میدانیم کافی نیست. در آینده گسترش ایجاد واحدهای مسلح حزب در شهرها در چارچوب موازین و دستورالعمل روشنی که داریم، تامین تجهیزات و امکانات نظامی مورد نیاز، و اقدامات دیگری که اجازه می‌خواهم در اینجا وارد جوانب مختلف آن نشوم، مجموعه اقداماتی در جهت افزایش توانایی نظامی حزب است.

- امکانسازی مالی: فعالیت و نقشه کار تشکیلات کردستان گسترش و تحول جدی را در چشم انداز دارد. پروژه‌ها و اقدامات پرهزینه‌ای را به دنبال دارد. در نتیجه با تمام توان همه ما و با اتکا به حمایتی که انتظارش را داریم، پول و کمک مالی جمع کنیم. تک تک ما لازمست به منبع امکانسازی برای تامین هزینه مالی کارهایمان تبدیل شویم. در این رابطه قرارها و توافقات قبلی مان را باید با جدیت بیشتر پیگیری کنیم.

بر اساس محورهای بالا اقدامات کنکرت و فوری را استنتاج میکنیم. پروژه‌ها و ماموریت‌های لازم تدقیق خواهد شد و وظایف معین بخشهای سیاسی و تبلیغی، اعم از رادیو و نشریه، تشکیلات شهرها، تشکیلات نظامی، سازمان مالی، و غیره را مشخص میکنیم. موفق باشید.
